

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

تهمینه مقدم (تارا)

۱۵ اگست ۲۰۱۳

پرداخت شهریه باید فوراً ممنوع گردد

با اطمینان می توان ادعا کرد که مسؤلیت تمامی مسائل گریبانگیر امروز جامعه ایران، به عهده نظام جمهوری اسلامی است! نظامی که خود را متعهد به مردم نمی داند، خود را ملزم به پاسخگویی به نیازهای میلیونها کودک نمی داند. به بیانی دیگر عمده مسائل دامنگیر خانواده ها که ناشی از وضعیت فلاکتبار اقتصادی است؛ عملکرد تبعیض آمیز در مدیریت آموزش و پرورش کشور از جهات مختلف هر ساله رشد نگران کننده تری را نشان می دهد! تبعیض تحصیلی به یک رکن اساسی نظام آموزشی بدل شده است! وضعیت تأمین مخارج تحصیلی میلیونها کودک و نوجوان عملاً بر عهده والدین آنهاست و هر ساله تعداد بیشتری از دانش آموزان مجبور به ترک تحصیل و پیوستن به صف تأمین معاش خود و خانواده می گردند.

هر ساله با پایان یافتن فصل امتحانات مدارس، افزایش شهریه مدارس نیز به یک دغدغه رنج آور و باری سنگین بر نگرانی های خانواده می شود. دغدغه ای که نمی توان از شر آن خلاص شد. به سبب گرانی کمرشکن و بیکاری گسترده، نمی توان هزینه آن را تأمین کرد.

طبق گزارشهای رسیده از مدارس و خانواده های تهرانی، حکایت از شهریه های کلان دارد، مبالغی در حدود ۱ تا ۱۸ میلیون تومان برای تحصیل در مدارس کشوری که بر اساس قانون اساسی اش، تحصیل و آموزش و پرورش رایگان است و هیچ شهروندی نباید برای تحصیل پولی پرداخت کند.

یکی از مفاد پیمان نامه جهانی حقوق کودک فراهم آوردن شرایط تحصیل رایگان برای تمام کودکان است، که دولت همانند بقیه مسؤلیت هایش آن را به دیگران و در این مورد به خصوص به خانواده ها واگذار می کند.

شهریه مدارس سالهاست تحت عناوین مختلف همیاری، کلاسهای فوق برنامه و... از دانش آموزان دریافت می شود و خانواده ها هر ساله با افزایش بهای آن روبه رو هستند. این هزینه امسال افزایش غیرقابل تصویری را تجربه می کند.

نتیجه افزایش بی سابقه شهریه در مدارس، افزایش کودکانی است که از چرخه تحصیل باز می مانند و به کار در کارگاهها و کار طاقت فرسا در خیابانها مشغول می شوند و در بدترین و خطرناک ترین شرایط به سر می برند.

برای کودکان کار و خیابان، کودکانی که خارج از چرخه تحصیل هستند، شاید هیچ روزی به اندازه روز ثبت نام مدارس دردآور و سخت نباشد. رؤیای اغلب کودکان کار و خیابان حضور بی دغدغه در مدرسه و شنیدن صدای معلم می باشد. روایی که حکومت جمهوری اسلامی با هزینه های نظامی، امنیتی، انتظامی و اختلاسهای چند میلیونی و چاق تر کردن آیت الله های مفت خور و گردن کلفت، عملاً مانع تحقق آن است.

آمار کودکان کار و خیابان به طرز غیرقابل باوری در حال افزایش است و این مسأله به طور جدی سبب آسیب های جبران ناپذیر به جامعه می گردد.

حکومت اسلامی عملاً مسؤلیتی بابت تأمین دسترسی یکسان شهروندان جامعه به آموزش در ایران به عهده نمی گیرد. این سوالی است که همواره جامعه با آن روبه رو است.

پاسخ حکومت، سرکوب هر انتقاد و مطالبه است. به جای انجام وظایفش مشغول قلع و قمع کردن مخالفان و منتقدان خود است.

این در حالی است که حتی به صورت ظاهر هم که شده، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر تحصیلات رایگان و اجباری پایه ابتدائی برای کودکان تأکید دارد.

علاوه بر این، ماده ۲۸ پیمان نامه جهانی حقوق کودک آموزش با کیفیت و رایگان را حق همه کودکان می داند. فعالان حقوق کودک تاکنون درباره پیامدهای کودکانی که از تحصیل باز می مانند، هشدار داده اند غفلت از تحصیل کودکان و در نظر نداشتن جایگاه مناسب اجتماعی کودک در اندیشه و عمل و نامشخص بودن مفهوم کودکی؛ باعث می شود که جامعه دچار آسیبهای جبران ناپذیر گردد.

جامعه گرفتار، آسیب دیده، زیر خط فقر نگهداشته شده و عملاً دچار از هم گسیختگی است. ناهنجاریهای اجتماعی به نرهای جامعه بدل می گردند. فساد در همه عرصه های اجتماعی، بنیادهای اخلاقی و اجتماعی را متلاشی می کند.

به عقیده «دورکیم»، «بیگانگی به نوعی حالت فکری اطلاق می شود که در آن فرد به واسطه اختلالات اجتماعی، دچار نوعی سردرگمی در انتخاب هنجارها، تبعیت از قواعد رفتاری و پوچی است...» کودکی که برای تأمین نیاز خود یا خانواده از تحصیل باز می ماند و به دنیای وحشیانه کار وارد می شود از آنجائی که مرحله کودکی را طی نکرده است دچار سردرگمی و تضاد می شود ناهنجاریها جایگزین رفتارهای اجتماعی می شود، و کودک از کنترل اجتماعی به دور می ماند.

این ناهماهنگی و عدم توانائی مدیریت صحیح می تواند اثرات روانی - اجتماعی بر کودک و جامعه داشته باشد. به طور کلی آثار روانی- اجتماعی سوء مدیریت را می توان در سه سطح متفاوت دسته بندی کرد:

در سطح فردی؛ کودکانی که از تحصیل باز می مانند و زودتر از سن قانونی وارد اجتماع کار می شود، جامعه ای که با سن کودک مغایر است و کودک را دچار آسیب های روانی می کند.

در سطح خانوادگی؛ با بیکار و یا بیمار شدن نان آور خانواده که انسجام اقتصادی آن از بین می رود و خانواده گسیخته می شود و تأمین هزینه اقتصادی بردوش کودکان قرار می گیرد.

در سطح وسیع می توان بی سازمانی و بی نظمی و از هم گسیختگی جامعه را مشاهده نمود. برای مثال آموزش و پرورش اعلام می کند شهریه نمی گیریم اما مدیران مدارس تحت عناوین مختلف باید مردم را سرکیسه کنند، و هزینه مدرسه را عملاً از جیب والدین تأمین کنند. آموزش و پرورش نه سرانه تحصیلی و نه سرانه

مدارس را ولو به صورت ظاهری هم نمی تواند تأمین کند. حتی در صورت پرداخت نیز این سرانه چنان ناچیز است که تأمین مخارج اولیه مدارس از قبیل تأمین سوخت، هزینه برق و اجاره محل را نمی تواند تأمین کند. سرکیسه کردن و باجگیری از خانواده ها توسط وزارت آموزش و پرورش نه تنها در زمان ثبت نام بلکه در کل سال تداوم می یابد و همین سبب کاهش بهره‌وری آموزشی مدارس و دانش‌آموزان می‌شود. از حدود سال ۸۰ که بحث کودکان خارج از چرخه تحصیل مطرح شده است و طرحهای مختلف با صرف بودجه های میلیاردی شکل گرفت، اما وجود آمار میلیونی کودکان باز مانده از تحصیل خود گویای شکست این طرحها است.

بازگردان کودکان به مدرسه تنها در اجرای عدالت اجتماعی و تأمین رفاه عمومی و تعهد به تأمین عدالت برای همه در جامعه میسر است.

در اتخاذ سیاستهای اقتصادی و در هیچ کجای قانون سخنی از کودکان محروم به میان نیامده است. هیچگاه به توانمندسازی خانواده‌های تهیدست جامعه توجه نشده است. هیچ گاه منافع کودکان بدون در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی خانواده در دستور کار آموزش و پرورش نبوده است.

عدم تأمین حتی حداقل های خدمات اجتماعی از طرف حکومت اسلامی، باعث شده که کل هزینه های تحصیلی عملاً بر دوش خانواده و به دنبال آن بر شانه کودک قرار گیرد.

افزایش دردناک تعداد کودکان خیابانی در حالی که دولت هیچ مسؤولیتی در قبال بهبود وضعیت کودکان به عهده نمی گیرد، این فشار اقتصادی بر سر کودکان این خانواده ها آوار می شود.

نبود عدالت اجتماعی، نابرابری افسارگسیخته، فقر فرهنگی خانواده ها کودک را وادار می کند که در تأمین اقتصاد خانواده نقش جدی داشته باشد. کودک علی رغم میل خود، از مدرسه جدا شده و به کارگاه و خیابان سپرده می شود، و در معرض تهدیدها و آسیب‌های جدی قرار می‌گیرد.

اوایل بر سر کار آمدن حکومت اسلامی، سیاستهای تشویقی مبنی بر افزایش جمعیت اجراء شد، اما بعد از آغاز جنگ هشت ساله و با اجرای سیاستهای اقتصاد جنگی، خانواده های کم درآمد در تله جمعیتی فقر گرفتار شده به حال خود رها گشتند.

جمهوری اسلامی در عملکرد سی و چند ساله اش نشان داده است که هیچ گونه تعهد و توجهی به بهبود وضعیت اجتماعی ندارد. آموزش و پرورش برای این حکومت، یک پدیده کاملاً ایدئولوژیک و سرباز گیری از میان کودکان است. همه قوانین آموزشی و از جمله سند تحول بینادین آموزش و پرورش، عملاً بر همین مبنا شکل گرفته است.

کودکان امروز و نسل آتی فردا را مشکلات و مسائل بسیار زیادی محاصره کرده است، این گروه از آسیبهای اجتماعی و روانی زیادی رنج می‌برد و جمهوری اسلامی همچنان با تنگ تر کردن فضای رشد اجتماعی نابودی بخش بزرگتری از کودکان را رقم می زند.

تأمین هزینه تحصیل بدون هیچ کم و کاستی بر عهده حکومت است. باید کلیه مراحل تحصیلی برای کودکان یکسان باشد و همه کودکان بدون هیچ تبعیض و نابرابری با یک استاندارد واحد به آموزش و پرورش دسترسی داشته باشند. پرداخت هر گونه وجهی، تحت هر نام و بهانه ای اکیداً باید ممنوع باشد. این وظیفه جاری حکومت است و سالیانست که از انجام آن طفره می رود.

نشریه کودکان مقدمند شماره ۱۰۶